**خوانده شده برای رنج و زحمت، و وجد و شادی: تا مسیح را به دست آوریم**

فیلیپیان ۳:‏۱-‏۱۴

خلاصه ای برادران من، در خداوند خوش باشید. همان مطالب را به شما نوشتن، بر من سنگین نیست؛ و ایمنی شماست. از سگها با حذر باشید. از عاملان شریر، احتراز نمایید. از مقطوعان بپرهیزید. زیرا مختونان ما هستیم که خدا را در روح، عبادت می‌کنیم؛ و به مسیح عیسی فخر می‌کنیم؛ و بر جسم اعتماد نداریم. هرچند مرا در جسم نیز اعتماد است. اگر کسی دیگر گمان برد که در جسم اعتماد دارد، من بیشتر. روز هشتم مختون شده، و از قبیلۀ اسراییل، از سبط بنیامین، عبرانی از عبرانیان، از جهت شریعت، فریسی؛ از جهت غیرت، جفا کننده بر کلیسا؛ از جهت عدالتِ شریعتی، بی‌عیب. اما آنچه مرا سود می‌بود، آن را به خاطر مسیح زیان دانستم. بلکه همه‌چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود؛ مسیح عیسی زیان می‌دانم، که به خاطر او، همه‌چیز را زیان کردم؛ و فضله شمردم، تا مسیح را دریابم؛ و در وی یافت شوم، نه با عدالت خود، که از شریعت است، بلکه با آنکه به وسیلۀ ایمان مسیح می‌شود؛ یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان است؛ و تا او را، و قوت قیامت وی را، و شراکت در رنجهای وی را بشناسم؛ و با موت او مشابه گردم. مگر به هر وجه، به قیامتِ از مردگان برسم. نه اینکه تا به حال، به چنگ آورده، یا تا به حال، کامل شده باشم؛ ولی در پی آن می‌کوشم، بلکه شاید آن را به دست آورم؛ که برای آن، مسیح نیز مرا به دست آورد. ای برادران، گمان نمی‌برم که من به دست آورده‌ام، لیکن یک چیز می‌کنم، که آنچه در عقب است فراموش کرده، و به سوی آنچه در پیش است، خویشتن را کشیده، در پی مقصد می‌کوشم، به جهت انعامِ دعوتِ بلندِ خدا، که در مسیح عیسی است.

**این وعدۀ کتاب‌مقدس است که قوم خدا رنج و زحمت خواهند دید**

موضوعی که در این چند هفته، به بررسی آن می‌پردازیم، لزوم آماده شدن برای سختی و زحمت است؛ و دلیل پرداختن به این موضوع، صرفاً این نیست که من احساس می‌کنم زمانه شریر است؛ و مسیر عدالت، مستلزم بها دادن، بلکه این وعدۀ کتاب‌مقدس است که قوم خدا زحمت خواهند دید.

برای نمونه، اعمال رسولان ۱۴:‏۲۲ می‌فرماید که پولس به همۀ کلیساهای نوبنیادش چنین می‌گوید: «با مصیبتهای بسیار، می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم.» و عیسی خود می‌فرماید: «اگر مرا زحمت دادند، شما را نیز زحمت خواهند داد» (یوحنا ۱۵:‏۲۰)؛ و پطرس می‌گوید: «تعجب منمایید از این آتشی که در میان شماست؛ و به جهت امتحان شما می‌آید، که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد» (اول پطرس ۴:‏۱۲). به بیان دیگر، سختیها و زحمات، چیزی غریب، و دور از انتظار نیستند؛ و پولس در دوم تیموتائوس ۳:‏۱۲ می‌گوید: «و همۀ کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی، به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید».

پس برداشت من این است که حقیقت کتاب‌مقدس چنین می‌باشد که هرچه بیشتر عزم خود را راسخ نماییم، تا نور و نمک جهان باشیم؛ و به مردم نقاطی از جهان که تا به حال پیغام انجیل را نشنیده‌اند، بشارت دهیم؛ و اعمال تاریکی را افشا نماییم؛ و بندهای گناه و شیطان را بگسلیم، رنج و زحمت بیشتری را متحمل خواهیم شد. به همین دلیل است که باید آماده باشیم؛ و به همین دلیل است که در این چند هفته، به آیاتی می‌پردازم، که ما را برای آماده شدن، یاری می‌نمایند.

در این پیغامها، به بررسی چهار هدفی می‌پردازیم که خدا در سختی و زحمتی که در خدمت به او متحمل می‌شویم، در نظر دارد. یکی از آن چهار هدف، هدف اخلاقی، یا روحانی است؛ بدین معنی که در سختی و زحمتی که متحمل می‌شویم، اطمینان خود را از امور دنیوی برداشته، و به خدا امیدوارتر می‌گردیم. دومین هدف، ایجاد صمیمیت است: وقتی در رنجهای مسیح شریک می‌گردیم، او را بهتر می‌شناسیم. پیغام امروز به این هدف اختصاص دارد.

**هدفِ صمیمیت بیشتر با مسیح**

خدا با تعلیم دادن، و نشان دادن این مهم به ما، که سختی و زحمت، مقرر شده تا رابطه‌مان را با مسیح عمیق‌تر نماید، ما را یاری می‌رساند تا برای سختی و زحمت آماده گردیم. وقتی در درد و رنجِ او شریک می‌گردید، او را بهتر می‌شناسید. آنانی که دربارۀ ارزشمندی مسیح، عمیق‌ترین، و دلپذیرترین مطالب را به قلم درآورده‌اند، کسانی هستند که به همراه او، عمیقاً رنج کشیده‌اند.

**رنج و سختی در زندگی جری بِریجِز**

برای نمونه، کتاب جری بِریجِز، به نام «اعتماد به خدا، حتی زمانی که زندگی دردناک است»، کتابی است عمیق و سودمند دربارۀ رنج و سختی، کتابی است در این باره، که زحمات و سختیها، رابطه‌مان را با خدا عمیق‌تر و محکم‌تر می‌سازند. بنابراین، تعجب‌آور نیست که بدانیم وقتی جری بِریجِز پسری چهارده ساله بود، مادرش از اتاقی دیگر، صدایش می‌زند، او به نزدش می‌رود؛ و بدون اینکه انتظارش را داشته باشد، متوجه می‌شود که مادرش نفسهای آخر را می‌کشد. او همچنین از نظر فیزیکی، شرایط خاصی داشت، که وی را از ورزش نمودن بازمی‌داشت. چند سال پیش نیز همسرش را به خاطر ابتلا به سرطان از دست داد. خدمت به خدا در سازمان خدمات مسیحی «نویگِیتورز»، باعث نشد که دیگر هیچ‌گونه سختی و مشکلی در زندگی نداشته باشد. او دربارۀ رنج و سختی، از عمق وجودش می‌نویسد، چرا که به همراه مسیح، عمیقاً رنج و سختی را تجربه نموده است.

**رنج و سختی در زندگی هوراتیوس بونار**

بیش از صد سال پیش، هوراتیوس بونار؛ کشیشی اهل اسکاتلند، و سرایندۀ سرودهای روحانی، کتاب کوچکی را به نام «شب اشک‌ریزان»، یا «وقتی فرزندان خدا رنج می‌کشند»، به قلم درآورد. او هدف از نگارش این کتاب را چنین بیان کرده: «به مقدسان خدمت کند . . . بارهایشان را بر دوش گیرد، زخمهایشان را مرهم نهد؛ و دست‌کم، اندکی از اشکهای فراوانشان را پاک نماید.» این کتاب، کتابی است لطیف و عمیق و با حکمت. از این‌رو، تعجب‌آور نیست که نویسنده‌اش بگوید:

این کتاب به دست کسی نوشته شده، که در پی آن است تا از آزمایشات و سختیهایی که پیش رویش است، سود برد؛ و از این می‌لرزد که مبادا آن آزمایشات چون بادی باشند که بر صخره می‌وزد، ولی صخره همچون گذشته سخت و محکم بر جای می‌ماند. این کتاب به دست کسی نوشته شده، که در هر غم و اندوهی به خدا روی می‌آورد، تا او را بهتر بشناسد؛ کسی که حاضر است اعتراف کند که هنوز خدا را آن‌طور که باید، نشناخته است.

بِریجِز و بونار به ما نشان می‌دهند که رنج و سختی، مسیری ژرف است که به دل خدا می‌انجامد. خدا برای فرزندان رنج کشیده‌اش، مکاشفه‌هایی خاص از جلالش را آشکار می‌نماید.

**سخنان ایوب، استیفان، و پطرس**

پس از چندین ماه رنج و سختی، سرانجام ایوب به خدا می‌گوید: «از شنیدن گوش، دربارۀ تو شنیده بودم، لیکن الان چشم من تو را می‌بیند» (ایوب ۴۲:‏۵). ایوب مردی خداشناس و درستکار بود؛ و خدا از وی راضی بود، اما فرق بود میان شناختش از خدا در زمانهای کامیابی و ظفر، و زمانهای مصیبت و بدبختی؛ و این تفاوت، مانند فرق میان شنیدن، و دیدن بود.

وقتی استیفان بازداشت شد؛ و به خاطر ایمانش، محاکمه گردید؛ و فرصتی یافت تا موعظه نماید، نتیجه این شد که رهبران مذهبی به خشم آمده، دندانهای خود را بر او فشردند، آن‌گاه از شهر بیرونش کشیده، و او را کشتند؛ و درست در همان لحظه، لوقا به ما می‌گوید: «استیفان از روح‌القدس پر بوده، به سوی آسمان نگریست؛ و جلال خدا را دید؛ و عیسی را به دست راست خدا ایستاده» (اعمال رسولان ۷:‏۵۵). این یک مکاشفۀ خاص است، یک صمیمیت خاص، که برای آنانی که به همراه مسیح زحمت می‌بینند، مهیا گشته است.

پطرس نیز این حقیقت را چنین بیان می‌کند: «اگر به خاطر نام مسیح، رسوایی می‌کشید، خوشا به حال شما؛ زیرا که روح جلال، و روح خدا، بر شما آرام می‌گیرد» (اول پطرس ۴:‏۱۴). به بیان دیگر، خدا برای آن فرزندانی که به خاطر نامش زحمت می‌بینند، نزول خاص روحش، و جلالش، و آرام گرفتنشان بر آنها را محفوظ نگاه داشته است.

**بررسی آیات امروز، در سه مرحله**

پس در پیغام امروز، به آن صمیمیتی می‌پردازیم که در نتیجۀ رنج و سختی به وجود می‌آید. یکی از اهداف رنج و سختی مقدسان این است که رابطه‌شان با خدا نزدیک گشته، از حالت رسمی و مصنوعی درآید؛ و شخصی‌تر، و واقعی‌تر، و صمیمی‌تر، و نزدیک‌تر، و عمیق‌تر گردد.

در آیات امروز (فیلیپیان ۳:‏۵-‏۱۱)، مایلم دست‌کم، سه نکته را مشاهده کنیم:

۱. نخست، آماده شدن پولس برای رنج و زحمت، به وسیلۀ جابه‌جا گشتن ارزشهایش.

۲. دوم، متحمل شدن زیان و رنج و زحمت، که بهای اطاعتش از مسیح بود.

۳. سوم، هدف پولس در همۀ اینها، هدفی که همانا به دست آوردن مسیح، شناخت او، و با او بودن، و صمیمانه‌تر، و واقعی‌تر با او مشارکت داشتن بود؛ صمیمیتی که حتی بالاتر از صمیمیت پولس با بهترین دوستانش؛ برنابا و سیلاس می‌بود.

**۱. آماده شدن پولس برای رنج و زحمت**

پولس در آیات ۵ و ۶، فهرستی از ویژگیهایی که پیش از مسیحی شدن از آنها برخوردار بود را برمی‌شمارد. او به نسب‌نامۀ خود اشاره کرده، و خاطرنشان می‌سازد که فرزند اصیل و واقعیِ ابراهیم، و یک عبرانی است. این ویژگیها، برای او دستاوردی عظیم به حساب می‌آمد؛ و به وی اهمیت و اطمینان می‌بخشید. او یک اسراییلی بود. سپس به سه نکته اشاره می‌کند، که مستقیماً به اصلِ زندگی پولس، پیش از مسیحی شدنش بازمی‌گردد (در انتهای آیۀ ۵): «از جهت شریعت، فریسی؛ از جهت غیرت، جفا کننده بر کلیسا؛ از جهت عدالتِ شریعتی، بی‌عیب».

**ارزشهای پولس، پیش از ملاقاتش با مسیح**

زندگی پولس چنین بود؛ و این چیزی بود که به او اهمیت و معنا می‌بخشید. دستاوردش، کامیابی و شادی‌اش همین بود. این مَثل که هر کسی را یک چیزی خوشحال و راضی می‌گرداند، در مورد پولس صادق بود؛ و برای پولس این رضایت و خوشحالی این بود که او از میان کسانی که شریعت را به‌جای می‌آوردند، به یکی از بالاترین رده‌ها تعلق داشت. او یک فریسی بود؛ و در میان فریسیان، آن‌قدر غیرتمند بود که پرچمدار جفا رساندن به دشمنان خدا؛ کلیسای عیسی بود. او شریعت را مو به مو نگاه می‌داشت. او از اینکه فریسی بود، از اینکه پله‌های ترقی را می‌پیمود، احساس رضایت می‌کرد؛ و از این خوشحال بود که به خاطر اینکه شریعت را کامل نگاه می‌داشت، خدا از او خشنود بود، که البته خود چنین می‌پنداشت که خدا از او رضایت داشت.

و آن‌گاه در راه دمشق، با مسیح؛ پسر خدای زنده ملاقات نمود؛ و مسیح به او فرمود که تا چه اندازه متحمل رنج و زحمت خواهد شد (اعمال رسولان ۹:‏۱۶)؛ و پولس، خود را برای آن رنج و زحمت آماده ساخت.

**پولس، ارزشهای برترش را هیچ شمرد**

آیۀ ۷ توضیح می‌دهد که او به چه شکلی خود را آماده ساخت: «اما آنچه مرا سود می‌بود، آن را به خاطر مسیح زیان دانستم.» پولس به جایگاهش در مقام یک فریسی، که یکی از بالاترین رده‌های مذهبیِ جامعه بود، می‌نگرد. او به شکوه و جلال بالاترین بودن در آن گروه، و همۀ چیزهایی که مایۀ خوشنودی‌اش بود؛ و به تعریف و تمجیدها می‌نگرد. او به سختگیری و دقتش در نگاه داشتن شریعت، و حس غروری که از نظر اخلاقی بر او سایه افکنده بود؛ و از آن لذت می‌برد، می‌نگرد؛ و آن‌گاه، با واژگون کردن کل دنیایش، و جا‌به‌جا نمودن ارزشهایش، خود را برای رنج و زحمت آماده می‌سازد: «آنچه مرا سود می‌بود [آیات ۵-‏۶]، آن را به خاطر مسیح زیان دانستم».

او پیش از مسیحی شدن، دفتری مخصوص محاسبات داشت، که دارای دو ستون بود. در یک ستون، سودها، و در ستون دیگر، زیانها را می‌نوشت. در ستون سودها، جلال و شکوهی که از نظر انسانی به دست آورده، و در آیات ۵-‏۶ به آنها اشاره شده، ثبت گشته بود؛ و در ستون زیانها، این دورنمای هولناک ثبت شده بود، که مبادا جنبشی که به رهبری عیسی شکل گرفته، از اختیار ایشان خارج شده، حقیقی بودن عیسی ثابت شود؛ و او پیروز گردد. وقتی پولس در راه دمشق، مسیح زنده را ملاقات نمود، مداد قرمزی در دست گرفت؛ و در مقابل ستون سودها، با حروف درشت و قرمز رنگ، چنین نوشت: «زیان»؛ و در مقابل ستون زیانها، با حروف درشت، چنین نوشت: «سود»؛ و در آن ستون، تنها یک نام به چشم می‌آمد: مسیح.

و نه فقط این، بلکه هرچه بیشتر دربارۀ ارزشهای نسبیِ زندگی در این دنیا، و به عظمت مسیح می‌اندیشید، چیزهای دیگری که در آیات ۵-‏۶ عنوان نموده را نیز خط زده، و در ستون اول، تنها یک نام را باقی گذاشت؛ و آن نام، نام مسیح بود. آیۀ ۸: «بلکه همه‌چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود؛ مسیح عیسی زیان می‌دانم.» او ارزشمندترین دستاوردهایش را زیان شمرد؛ و فهرستش را این‌گونه پایان داد، که همه‌چیز را جز مسیح، زیان به حساب آورد.

**مسیحیت معمول و متعارف**

مسیحی بودن برای پولس، به این معنا بود؛ و مبادا کسی از ما چنین پندارد که پولس شخصی خاص و منحصر به فرد بوده است. توجه کنید که او در آیۀ ۱۷، با اقتدار کامل یک رسول، می‌گوید: «ای برادران، با هم به من اقتدا نمایید.» مسیحیت معمول و متعارف این است.

پولس در اینجا نشان می‌دهد که چگونه باید طبق تعلیم عیسی زیست نمود. برای نمونه، عیسی می‌فرماید: «ملکوت آسمان، گنجی را ماند، مخفی شده در زمین، که شخصی آن را یافته، پنهان نمود؛ و از خوشیِ آن رفته، آنچه داشت فروخت؛ و آن زمین را خرید» (متی ۱۳:‏۴۴). مسیحی شدن، یعنی پی بردن به اینکه مسیح (آن پادشاه)، گنجینۀ شادی مقدس است، که باید هر چیز دیگری در این دنیا را «زیان» بشماریم، تا بتوانیم او را به دست آوریم. «هرچه داشت فروخت، تا آن زمین را بخرد».

و یا در انجیل لوقا ۱۴:‏۳۳، عیسی می‌فرماید: «هر یکی از شما که تمام مایملک خود را ترک نکند، نمی‌تواند شاگرد من شود.» به بیان دیگر، شاگرد عیسی شدن به این معناست که بر روی همۀ داراییهایتان، و هر چیز دیگری که این دنیا ارزانی می‌دارد، با حروف درشت و قرمز رنگ، بنویسید: «زیان».

**این اقدام، از نظر عملی به چه معناست؟**

حال، این اقدام، از نظر عملی به چه معناست؟ من فکر می‌کنم این اقدام، چهار معنا دارد:

۱. این بدان معناست که هر زمان خوانده شوم تا میان مسیح، و هر چیز دیگر در این دنیا، یکی را انتخاب کنم، مسیح را برگزینم.

۲. این بدان معناست که با امور این دنیا به گونه‌ای برخورد کنم که مرا به مسیح نزدیک‌تر سازند، تا که با شیوۀ استفاده از آن امور، بیشتر مسیح را به دست آورم؛ و بیشتر از او لذت برم.

۳. این بدان معناست که همواره با امور این دنیا به گونه‌ای برخورد کنم که نشان دهم که آن امور، گنجینۀ من نیستند؛ و برعکس نشان دهم که مسیح گنجینۀ من است.

۴. این بدان معناست که اگر چیزی، یا همۀ چیزهایی که این دنیا ارزانی می‌دارد را از دست دهم، شادی، یا گنجینه، یا حیاتم را از دست نخواهم داد، چرا که مسیح، همه‌چیزِ من است.

پولس در نهاد خود به این نتیجه رسید (آیۀ ۸): «همه‌چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود؛ مسیح عیسی زیان می‌دانم.» مسیح همه‌چیز است؛ و هر چیزِ دیگر، زیان است.

**چرا آماده شدن برای رنج و سختی، به این شکل است؟**

حال، بیایید به آنچه بررسی کرده‌ایم، نگاهی کلی بیندازیم. من همچنان در حال بررسی نکتۀ اول؛ یعنی شیوۀ آماده شدن پولس برای رنج و سختی هستم. چرا این نکته را خاطرنشان می‌سازم؟ چرا مسیحی شدن، و همه‌چیز را جز مسیح، در زندگی‌تان زیان شمردن، طریق آماده شدن برای رنج و سختی است؟

پاسخ اینجاست که رنج و سختی، چیزی جز این نیست که از چیزهای بد، یا خوبی که دنیا برای لذت ما ارزانی می‌دارد، دست کشیم؛ چیزهای مثل شهرت و آوازه، عزت و احترام در میان هم‌سطحان خود، شغل، پول، همسر، زندگی زناشویی، فرزندان، دوستان، تندرستی، قوت و قدرت، بینایی، شنوایی، موفقیت، و دیگر موارد. وقتی این چیزها را از دست می‌دهیم (به اجبار، یا به خاطر شرایط، یا به انتخاب خودمان)، در آن صورت است که دچار رنج و سختی می‌گردیم. ولی اگر پیرو راه پولس، و تعلیم عیسی بوده، و به خاطر ارزش والای به دست آوردن مسیح، آنها را زیان شمرده‌ایم، پس برای رنج و سختی آماده هستیم.

اگر وقتی مسیحی می‌شوید، همۀ چیزهای این دنیا، جز مسیح را زیان به حساب آورید، آن‌گاه، وقتی مسیح شما را می‌خواند تا از برخی از آن چیزها دست کشید، این خواندگی، غریب و دور از انتظار نخواهد بود. چه بسا که درد و رنج و غصه عظیم باشد، چه بسا که اشک و زاری فراوان باشد، همان‌گونه که برای عیسی در باغ جتسیمانی چنین بود، ولی بدین‌گونه است که آماده خواهیم شد. ما بر این واقف خواهیم بود که ارزش مسیح، والاتر از هر چیز دیگری است که دنیا می‌تواند ارزانی دارد؛ و در از دست دادن آنهاست، که از مسیح برخوردار خواهیم شد.

**۲. تجربۀ رنج و زحمت پولس**

بنابراین، پولس در نیمۀ دوم آیۀ ۸، از آماده شدن برای رنج و سختی، به رنج و سختی واقعی می‌رسد. او در نیمۀ اول آیۀ ۸، از این مطلب که همه‌چیز را زیان می‌شمارد، گذر کرده، و در نیمۀ دوم آیه، به زیان کردن همه‌چیز به معنای واقعی می‌رسد: « . . . که به خاطر او [یعنی مسیح]، همه‌چیز را زیان کردم؛ و فضله شمردم، تا مسیح را دریابم.» هفتۀ آینده، به این موضوع خواهیم پرداخت که پولس آن‌قدر به معنای واقعی، منافع عادی و آسایش این دنیا را زیان شمرده بود، که می‌توانست بگوید که نه فقط این چیزها را زیان به حساب آورد، بلکه آنها را زیان کرد. او با تغییر کامل ارزشهایش، خود را برای رنج و سختی آماده کرده بود؛ و حال، در حال محک خوردن بود. آیا مسیح برایش ارزشمندتر از هر چیز دیگری بود؟

**۳. هدف پولس (و قصد خدا) در رنجها و سختیها**

اکنون می‌خواهم با متمرکز نمودن توجهمان به هدف پولس، و قصد خدا در این رنج و زحمت، پیغام امروز را به پایان رسانم. چرا خدا آن زیانها را مقرر نمود؛ و پولس برای مسیحی بودن، آن زیانها را پذیرفت؟

پولس در این آیات، بارها و بارها پاسخ به این پرسش را تکرار می‌نماید، تا از نکته‌اش غافل نمانیم. او نسبت به رنج و سختیِ ناشی از زیانهایش، بی‌حس و بی‌تفاوت نیست. او هدفمند است؛ و هدفش به دست آوردن مسیح است.

* آیۀ ۷: «آن را به خاطر مسیح زیان دانستم».
* آیۀ ۸: «همه‌چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود؛ مسیح عیسی زیان می‌دانم».
* آیۀ ۸: «به خاطر او، همه‌چیز را زیان کردم».
* آیۀ ۸: «و فضله شمردم، تا مسیح را دریابم».
* آیۀ ۹: «و در وی یافت شوم [تا عدالت خدا را داشته باشم، نه عدالت خودم را]».
* آیۀ ۱۰: «تا او را . . . بشناسم» (باز هم اشاره به هدف او در پذیرفتن زیان نمودن همه‌چیز).
* آیات ۱۰-‏۱۱: (شناخت مسیح، به طور مشخص به این معناست):

«[شناخت] قوتِ قیامت وی»

«شراکت در رنجهای وی»

«مشابه گشتن با موت او»

«به هر وجه، به قیامتِ از مردگان برسم»

به بیان دیگر، آنچه پولس را در زیان کردن همه‌چیز حفظ می‌نمود، این بود که اطمینان داشت که در از دست دادن چیزهایی که در این دنیا برایش با ارزش بودند، چیزی بس ارزشمندتر؛ یعنی مسیح را به دست می‌آورد.

و این به دست آوردن، دو بار، شناخت نامیده می‌شود: آیۀ ۸: « . . . به سبب فضیلت معرفت خداوند خود؛ مسیح عیسی»، و آیۀ ۱۰: «تا او را بشناسم.» این همان صمیمیتی است که در رنج و سختی پدید می‌آید. آیا می‌خواهیم او را بشناسیم؟ آیا می‌خواهیم رابطه‌مان با او، شخصی‌تر، عمیق‌تر، واقعی‌تر، و صمیمی‌تر باشد، آن‌چنان که همه‌چیز را زیان شماریم، تا این عالی‌ترین گنجینه را به دست آوریم؟

اگر این مهم را خواستاریم، پس برای رنج و زحمت آماده خواهیم بود؛ و اگر جز این باشد، رنجها و سختیها ما را متعجب و غافلگیر ساخته، و به طغیان و سرکشی‌مان ختم می‌گردند. باشد که خداوند چشمانمان را بگشاید، تا ارزش والای شناخت مسیح را مشاهده نماییم!